

بعد از برگشت به ایران طبیعتاً جای من به عنوان یک جنین‌شناس یا در پژوهشگاه رویان تهران بود یا در مرکز نابرابوری دانشگاه شهید صدوقی یزد. ولی من را فرستادند شهرکرد زبان تخصصی {خنده} و جنین‌شناسی درس بدهم. نهایتاً در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان مشغول تدریس درس‌های جنین‌شناسی و پزشکی شدم. هم‌زمان به علت نبود مرکز نازایی در اصفهان یک مرکز درمان نابرابوری را به صورت خصوصی با سه متخصص زنان احداث کردم. زمان استخدام، رئیس وقت دانشگاه علوم پزشکی اصفهان خواست تعهد بدهم ده سال کار خصوصی نکنم. این در حالی بود که من از قبل یک مرکز خصوصی تأسیس کرده بودم. به این ترتیب نمی‌توانستم تعهد بدهم. ضمن اینکه نمی‌خواستم کار در مرکز را هم تعطیل کنم. البته خیلی از دوستان گفتند «تعهد بده ما نادیده می‌گیریم!». پاسخ من منفی بود و ترجیح من این بود در مرکز خودم فعالیت داشته باشم. بازگشت من به ایران مصادف با راه‌اندازی پژوهشگاه رویان در تهران بود ولی هنوز در زمینه‌ی آی.وی. اف و نابرابوری موفقیتی حاصل نشده بود. خدا دکتر کاظمی آشتیانی را رحمت کند. از من برای بازدید از آزمایشگاه دعوت کرد. بهترین هتل تهران را برای من گرفتند و ماشین هم در اختیارم گذاشتند. طی حدود یک هفته زیرساخت‌های آزمایشگاه پژوهشگاه رویان را بر اساس تجربیات انگلیس، راه‌اندازی کردم.

### در همان یک هفته‌ای که تهران بودید این اقدامات انجام شد؟

بله! البته دوستانی هم آنجا داشتند کار و کمک می‌کردند ولی من زیرساخت‌ها را بر اساس تجربه‌ی خودم به روزرسانی کردم. که خدا را شکر منجر به تولد اولین نوزاد آی.وی. اف پژوهشگاه رویان شد. آن موقع من هنوز دانشگاه علوم پزشکی بودم و ارتباطم با آقای دکتر کاظمی آشتیانی رفته‌رفته بیشتر می‌شد. بعد از قطع قرارداد دانشگاه، دکتر آشتیانی پیشنهاد کرد

من در آزمایشگاه خصوصی خودم مشغول فعالیت باشم ولی دکتر هم برای من مواد تحقیقاتی بفرستد. به این ترتیب در آزمایشگاه مرکز باروری و نابرابوری یک اتاق را در اختیار دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی و دانشجویان جاهای دیگر گذاشتیم. این همکاری رفته‌رفته، بنیان‌گذار پژوهشکده‌ی زیست‌فناوری رویان در اصفهان شد. با توجه به گسترش فعالیت‌ها و مشکل کمبود فضا و خصوصی بودن مجموعه ما، دکتر کاظمی آشتیانی پیشنهاد اجاره مکان دیگری برای ادامه فعالیت‌ها را دادند. بعد از بررسی شرایط به نظرم آمد جابه‌جایی هر ساله آن میزان تجهیزات امکان‌پذیر نیست. بنابراین با همراهی چند نفر از دوستان مکانی را خریداری و به پژوهشگاه رویان اجاره دادیم. به این ترتیب نیازی به جابه‌جایی هر ساله نبود. بعد از دو سال آن فضا هم برای فعالیت‌های ما کافی نبود. بعد از انتقال این موضوع به دکتر آشتیانی ایشان خندید و گفت «حالا که امتحان خودت را پس دادی من اینجا را می‌خرم» {خنده}. دکتر ساختمانی را در یک منطقه مسکونی برای این فعالیت‌ها خرید. نهایتاً به لطف خداوند پژوهشگاهی که الان در آن مشغول فعالیت هستیم را راه‌انداختیم.

### سال ۱۳۷۰ پژوهشگاه رویان تهران راه می‌افتد و بعد به پژوهشگاه زیست‌فناوری اصفهان می‌رسیم. از مهم‌ترین دستاوردهای این دوران برایمان بگویید

وقتی مرکز درمانی کشور دارد راه می‌افتد همیشه اولین‌ها مهم هستند. اولین نوزاد آی.وی. اف ایران در یزد به دنیا آمد. تهران هم اولینش تا جایی که من مطلع هستم در پژوهشگاه رویان به دنیا آمد. یک لیست اولین‌هایی خودشان دارند ولی بگذارید آن اولین‌هایی که ما در آن دخیل بودیم را برایتان بگویم. {خنده}



”

دانشگاه  
کمبریج دوره‌ی  
دکتری را تمام  
کردم. یک سال  
هم به عنوان  
جنین‌شناس  
بالینی در مرکز  
بورن کار کردم  
درحالی‌که اولین  
نوزاد آی.وی. اف  
دنیا در آنجا به  
دنیا آمده بود.

”

اولین بار  
شبیه‌سازی  
کلونینگ را هم در  
ایران پایه‌گذاری  
کردیم که رویانا  
بود. به نظر من  
رویانا برای رویان  
و ایران نام بسیار  
قابل احترام و  
بازرشی است.